

پاسخ به مقاله خانم مهشید امیرشاهی با عنوان: «صحت از مذهب نیست صحبت از عدالت است»

در جنگ جدید و اخیر در خاورمیانه (تابستان ۲۰۱۴) که توسط گروه تروریستی حماس بر اسرائیل تحمیل شد، در سایت‌هایی که نامشان در زیر می‌آید و با عنوان بالا و با متن زیر مقاله‌ای از خانم مهشید امیرشاهی منتشر کردند. اینک پاسخ آن توسط «گفتمان ایرانیان یهودی» که متشکل از گروهی از فعالان سیاسی ایرانیان یهودی است آماده و برای سایت‌های مزبور ارسال می‌شود.

از یکایک مدیران این سایت‌ها می‌خواهیم طبق سنت مطبوعاتی و رسانه‌های گروهی و بر اساس انصاف و عدالت به درج آن اقدام فرمایند.

<http://www.iranliberal.com>

<http://www.melliun.org>

<http://www.shahrvand.com>

<http://www.facebook.com/pages/Hadi-Khorsandi>

<http://www.facebook.com/pages/285561714835465/> لیبرال-دموکرات-های-ایران

<http://www.persiran.se/index.php/farsi>

در طی قرون متمادی یهودیان بویژه ایرانیان یهودی از پاسخ مستقیم به اندیشه‌های یهود ستیزانه برخی از هم میهنان خود دوری می‌جستند تا خود به خود به مظلومیت قوم یهود و بی‌آزاری آنان پی ببرند ولیکن با توجه به شرایط امروزی ایران و جهان دیگر این روش کارساز نیست و اینک ضمن اعلام مواضع خود، ما از هم میهنان غیر یهودی خود توقع داریم که از یک طرف مقالات و مطالب خود را بر اساس حقیقت و نه بر اساس شایعه و دروغ بلکه بر اساس پژوهش‌ها و مدارک مستند بنویسند و از سوی دیگر خواهان آن هستیم، هم چنان که ما برخوردی محترمانه با آنها داریم آنها نیز با هم میهنان یهودی خود محترمانه برخورد کنند.

برای آن که به صورتی کامل و بدون آن که از هیچ نکته‌ای بی‌پاسخ بگذریم «ترجیحا مقاله خانم امیرشاهی را بند به بند پاسخ می‌دهیم. لازم بیادآوری می‌دانیم که پیش از ما آقای منشه امیر مفسر برجسته و با سابقه رادیو صدای اسرائیل بدون ذکر نام خانم امیرشاهی به این مقاله در سخن هفته خویش و در بضاعت زمان رادیویی خود پاسخ داده‌اند.

خانم امیرشاهی چنانچه در بند بند مقاله‌اش نشان خواهیم داد متأسفانه از یک سو از احاطه به تاریخ یهود، تاریخ اعراب و تاریخ و جغرافیای منطقه بی‌بهره‌اند و از سوی دیگر صاحب اندیشه‌های یهود ستیزی هستند که ضمن استفاده از واژه‌های تحقیرآمیز و نژادپرستانه بر علیه یهودیان چشم بر جنایت‌های حماس و گروه‌های تروریستی بسته‌اند و مآلاً» در خط جمهوری اسلامی حرکت می‌کنند.

مقدمه

ما معتقدیم که موقعیت‌ها و مصالح و منافع آینده می‌توانند با رقیق‌ترکردن و کم‌رنگ نمودن معضلات گذشته، مشکلات ملت‌های متخاصم را برطرف سازند و امکانات سیاسی و اجتماعی مناسب برای همزیستی یا آشتی نسل‌های آینده را فراهم آورند.

ولیکن در لحظات کنونی، در مواجهه با موج احساسات دینی و هویتی، که خود را در پس پرده‌ی اصطلاحاتی همانند «عدالت» و انسانیت پنهان نموده‌اند، و توهین‌ها و تحقیرهای قومی و نژادی، از قبیل جملات جاهلانه خانم مهشید امیرشاهی که هیچگونه زمینه‌ی آشتی و انصاف در آن دیده نمی‌شود، لازمست که برخورد متفاوتی ارائه گردد. در این رابطه، جوایه حاضر فرصتی است تا لااقل مجموعه‌ی نویسندگانی که غلیان احساسات خود را فارغ از ادعاهای مصنوعی و رایج خود، بر روی کاغذ می‌آورند بدانند که طرف مقابل نیز دارای تاریخ، احساسات، نظرات، اعتقادات و حقوقی است که تنها بخاطر جهل اینان و یا خیالپردازی روشنفکران، از آنها صرف‌نظر نخواهد کرد.

خوشبختانه در کشاکش جنگ اخیر حماس و اسرائیل ما شاهد آن بوده‌ایم که اکثر روشنفکران مسلمان «اعم از «چپ» و «ملی‌گرا» و «حقوق بشری» و «سکولار» یا در برابر فشارهای محیط مقاومت نموده و از مسیر تلاش‌های اساسی و مثبت خود خارج نشده‌اند و در باتلاق اسرائیل ستیزی و فلسطین‌پرستی پای ننهادند، یا لااقل تلاش نموده‌اند که توازن را در بررسی و اعلان مواضع خود رعایت نمایند.

از سوی دیگر ما شاهد غلیان احساسات نهفته دینی و هویتی کسانی هم بوده‌ایم که همواره در برابر حوادث جهان و بویژه منطقه‌ی خاورمیانه سکوت کرده و تنها در هنگامه‌ی فتوای اسرائیل ستیزی (و حتی یهودی ستیزی) از لاک خود بیرون می‌خزند. کسانی که در برابر حملات متعدد ترکیه به خاک عراق و به منظور کشتار کردهایی که تروریست‌شان می‌دانند به مدت یک دهه سکوت کرده‌اند، کسانی که در برابر شرکت نظامی سپاه پاسداران در سوریه و عراق که به منظور کشتار تروریست‌های ضد شیعه، موسوم به خلافت اسلامی «داعش» ساکت و حتی موافق هستند و در برابر حمله حماس به اسرائیل سکوت تایید آمیز پیشه کرده‌اند، ناگهان با حمله متقابل اسرائیل به تحرک درآمده و خود را ضدیهود یا مغرض هم نمی‌دانند! بدین ترتیب، تعدادی از «چپ‌ها» را مشاهده می‌کنیم که با دست کشیدن از مبارزه طبقاتی از مرتجع‌ترین طبقات قبیله‌ای و گروه‌های ضدبشری حمایت می‌کنند. تعدادی از ملی‌گرایان را می‌بینیم که از ضد ایرانی‌ترین اعراب پشتیبانی می‌کنند، شیعیانی را می‌بینیم که برای سازمان ضدشیعه حماس و هوادارانش سینه می‌زنند و با حقوق بشری‌هایی مواجه می‌شویم که در کلیه منازعات جهانی، تنها جانب «مسلمان» را بشر به حساب می‌آورند

به راستی وجه مشترک این هموطنان چیست؟ ما معتقدیم که صرف‌نظر از پوشش‌های تئوریک و مدرن، تمامی کسانی که در هیچ شرایطی، طرف مقابل اسرائیل را محکوم نکرده و نمی‌کنند و تمام نظریه‌پردازانی که حق موجودیت کشور اسرائیل را به عنوان یک کشور یهودی تحت هیچ شرایطی نمی‌پذیرند، به روشنی تحت تاثیر ریشه‌های دینی و عقاید سنتی ضدیهودی خود و پیشینیانشان می‌باشند. در این میان کسانی مانند خانم امیرشاهی که حتی از استفاده از کلمه نازیستی و تحقیرآمیز «جهود» نیز ابا ندارند را نیز، در زمره‌ی چنین افراد جاهل و خشمگین به حساب می‌آوریم.

سرانجام می‌توانیم خدمت هموطنان آزادیخواه و منصف دیگرمان یادآوری نمائیم که بسیاری از عکس‌العمل‌های ادواری و عصبی نسبت به مسئله اسرائیل، صرف‌نظر از دلایل عقیدتی می‌توانند تحت تاثیر تماس‌ها و فشارهای مستقیم وزارت اطلاعات نظام جمهوری اسلامی که نمونه‌هایی از آن را شاهد بوده‌ایم و حتی به مثابه دروازه‌ای بسوی آشتی نهائی برای بازگشت به آغوش نظام عزیز به حساب بیایند.

متن بند بند مقاله‌ی «صحبت از مذهب نیست صحبت از عدالت است» به همراه پاسخ مربوط به هر بند:

امیرشاهی: طبیعی است اگر حقایق را ندانیم در بارهٔ اتفاقات خونین امروز امکان قضاوتی درست نخواهیم داشت – به علاوه از ناگفته‌ها و نیمه واقعیت‌ها و دروغ‌های مکرر دیگر خسته‌ایم – پس من برای اینکه به اختصار سخن بگویم با حقیقتی بنیادی مسئله را عنوان می‌کنم و آن اینکه:

۶۷ سال است اسرائیلی‌ها نیم زادگاه فلسطینی‌ها را به سرقت برده‌اند، نیم دیگرش را اشغال کرده‌اند،

پاسخ: از سال ۷۰ میلادی تا سال ۱۹۴۸ میلادی، کشور یهود توسط امپراتوری‌ها و ملت‌های مختلف تسخیر، یهودیان را کشته، دربدر کرده و استقلال کشور یهود و حاکمیت ملت یهود را بر سرزمین خود از بین برده بودند. همین حکومت‌های متجاوز در مقاطع مختلف تاریخی از بازگشت یهودیان به کشور خود جلوگیری می‌کردند. یهودیان ۶۷ سال است با پذیرش قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد و خروج نیروهای استعماری بریتانیا و گذشت کردن از نیمی از سرزمین آبا و اجدادی خود که برای آن در طی ۲۰۰۰ سال میلیون‌ها نفر قربانی داده بود، کشور اسرائیل را بنیاد گذاشتند.

http://en.wikipedia.org/wiki/United_Nations_Partition_Plan_for_Palestine

لازم بیادآوری است که بدنبال مردود شدن هرگونه سازش و قبول تقسیم سرزمین‌های مورد منازعه توسط جبهه اعراب» در سپتامبر ۱۹۴۷، هیچ یک از کشورهای عربی در سازمان ملل متحد این قطعنامه را نپذیرفتند، آن را رد کردند، علیه اسرائیل اعلان جنگ دادند و به اسرائیل حمله کردند.

برای آن که بدانیم هویت فلسطینی‌ها چه بوده و هدف‌های حماس چیست، به ترجمه بخشی از سخنان آقای فتحی حماد، وزیر امور داخلی و امنیتی حماس، نگاه کنید:

ترجمه بخشی از سخنان آقای فتحی حماد

وزیر امور داخلی و امنیتی حماس، پخش شده در تلویزیون «الحکمة» در ۲۳ مارس ۲۰۱۲ در باره اهداف حماس و هویت «فلسطینی»

آیا مصر قادر به تامین سوخت برای ۱/۵ تا ۲ میلیون نفر در نوار غزه نیست؟...

اگر شما قطب‌نمای خود را به سوی فلسطین، مسجدالاقصی و قدس، با هدف ریشه‌کن نمودن دشمن صهیونیستی نگیرید، امریکا شما را زیر پایش له خواهد کرد. شما را با توطئه‌هایش محاصره کرده و از میان خواهد برد.

بنابر این شما باید پرچم جهاد و پرچم «لااله الا الله» را به اهتزاز درآورید... برادران، در غزه ۱/۸ میلیون از ما زندگی

می‌کنند. در مصر در حدود ۹۰ میلیون نفر وجود دارند. ما فقط دو درصد جمعیت مصر هستیم، (تامین سوخت برای غزه) باری را بر دوش شما نخواهد گذاشت.

همه‌ی توطئه‌های صلیبیون و تاتارها در طول تاریخ در مسجدالاقصی و در سرزمین فلسطین درهم شکسته شده‌اند... غرب نمی‌خواهد که این تاریخ افتخارآمیز تکرار شود، زیرا که (در این میان) یهودیان و متحدین آنها* یعنی صهیونیست‌ها، آمریکایی‌ها و امپریالیست‌ها نابود خواهند شد... بدین ترتیب ما از برادران عربمان تقاضای کمک می‌نماییم. ما کمک آنها را برای خوردن، پوشیدن، پوشیدن، زندگی کردن و رفاه نمی‌خواهیم، نه!*

ما کمک آنها را برای ادامه‌ی جهاد می‌خواهیم.*

الحمدلله، ما همه دارای ریشه‌های عربی هستیم* و هر فلسطینی در غزه و در سراسر فلسطین می‌تواند وجود ریشه‌های عربی خود را به اثبات برساند، چه از عربستان سعودی، چه از یمن و یا هر جای دیگر، ما ارتباط خونی داریم، پس محبت و ترحم شما کجاست؟

نیمی از خانواده‌ی خود من مصری هستند. همه‌ی ما اینطور هستیم...

برادران، نیمی از فلسطینیان مصری و نیم دیگر سعودی هستند. فلسطینیان کیستند؟ ما خانواده‌هایی داریم به نام «المصری» که ریشه‌ی آنان مصری است. مصری! ممکن است از اسکندریه آمده باشند یا از قاهره، از دومتیا، از شمال،

از آسوان یا از مصر علیا. ما مصری هستیم، ما عرب هستیم. ما مسلمانیم، ما بخشی از شما هستیم...*

(برای مشاهده‌ی ویدیو و متن این سخنرانی به لینک زیر مراجعه فرمایید...)

http://www.memritv.org/clip_transcript/en/3389.htm

مقایسه تطبیقی تاریخ ایران و اسرائیل در این مورد:

الف- در دوران عمر بن خطاب بسیاری از سرزمین‌های دنیای متمدن آن روز منجمله دو سرزمین ایران و یهود توسط سپاهیان جرار عرب مسلمان تصرف شد. عمر بن خطاب و اعراب، ایرانیان و یهودیان را برده و موالی خود نموده و آنها را به پرداخت جزیه مجبور کردند. در مقایسه کوروش بزرگ پادشاه هخامنشی نیز کشورهای بسیاری را تسخیر کرد ولی برده‌ها منجمله یهودیان را آزاد کرد. اعراب سرزمین‌های دیگران را مستعمره خود ساخته و به خیال خود برای همیشه از آن خود کردند در حالی که کوروش بزرگ سرزمین‌های دیگران را منجمله سرزمین یهود را به صاحبان اصلی آن برگرداند. کوروش بزرگ و جانشینانش هزینه بازسازی معبد یهود را پرداختند در حالی که اعراب، آتشکده‌های زرتشتی را به مساجد تبدیل کردند و بر ویرانه‌های معبد مقدس یهود مسجد اقصی و عمر را بنیاد گذاشتند. هر دو سرزمین به مدت قریب به ۶ قرن زیر سلطه خلفای راشدین، خلفای اموی و خلفای عباسی قرار داشتند.

ب- از آن پس دیگر هیچ خلافت عربی بر ایران حکومت نکرد ولی اعراب همیشه این خیال را در سر پرورانده و می‌پروراند که ایران، مطلقاً متعلق به اعراب است. به این گفته رییس هیئت نمایندگی «جبهه اعراب» در سپتامبر سال ۱۹۴۷ توجه کنید تا بدانید نظر اعراب در مورد ایران چگونه بوده است و این فقط گروه تروریستی داعش نیست که امروز سخن از خلافت عباسی می‌زند و تمامی سرزمین‌های منطقه خاورمیانه و خاور نزدیک را جزو خلافت عباسی

*- تاکیدها همه جا از پاسخ دهندگان است.

می‌داند

رییس هیئت اعراب «اعظم پاشا» در پاسخ به کوشش‌های دیوید هوریتز نماینده آژانس یهود برای رسیدن به یک تفاهم برای تقسیم فلسطین (۱۶ سپتامبر ۱۹۴۷) می‌گوید «دنایای عرب در جهت سازش نیست که پلان شما را که بر اساس منطق و خرد بنا شده است بپذیرد، چرا که سرنوشت ملت‌ها با منطق عقلانی رقم نمی‌خورد. ملت‌ها هرگز تسلیم نمی‌شوند، آنها می‌جنگند. شما نمی‌توانید با مقاصد صلح آمیز و یا سازش چیزی بدست آورید بلکه فقط با نیروی قهر آمیزان را بدست می‌آورید. ما تلاش خواهیم کرد که شما را شکست دهیم هر چند اطمینان ندارم که موفق شویم ولی حداکثر کوشش ما را می‌کنیم. ما موفق شدیم صلیبیون را شکست دهیم ولی در عوض اسپانیا و ایران را از دست دادیم. ما ممکن است فلسطین را از دست بدهیم ولی خیلی دیر است که در مورد راه حل‌های صلح آمیز گفتگو کنیم»

<http://www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/myths3/MFattitudes.html>

پ- بیانات حسن نصرالله رهبر گروه تروریستی حزب الله موید آن است که اعراب اصولاً تمدنی به نام تمدن ایرانی را نمی‌پذیرند و آن را درست اسلامی و رهبر آن را بدرستی عرب می‌دانند.

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2010101107/11/_u03_nasrallah_iran.shtml

بنابراین مشاهده می‌کنیم که در برابر خواسته‌های استیلاجویانه و استعمارگرانه اعراب، ملت‌هایی بوده و هستند همانند ایرانیان که اقدام به باز پس‌گیری سرزمین‌های خود کرده و خواهند کرد.

امیرشاهی: فلسطینی‌های دو ساحل را به چهارگوشه جهان تارانده‌اند.

پاسخ: خانم امیرشاهی بهتر است ابتدا نیم‌نگاهی به نقشه جغرافیا و هم‌چنین تاریخ ببیند. اگر منظور خانم امیرشاهی از یکی از ساحل‌ها، کرانه غربی رود اردن است که کسی از آنجا چه پیش از جنگ ۱۹۶۷ و چه پس از آن آواره نشده است.

بین سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ کرانه غربی رود اردن زیر سلطه حکومت اردن هاشمی بوده است. اردن هاشمی به جای آن که طبق تصمیم سازمان ملل این منطقه را به ساکنان آن جا بسپارد آن را اشغال و ضمیمه خاک اردن نمود. جمعیت اعراب پیش از سال ۱۹۶۷ و پس از ۱۹۶۷ در دو منطقه کرانه غربی رود اردن و نوار غزه بر اساس اطلاعات هیئت مرکزی آمار فلسطینیان به شرح زیر بوده است:

الف- در سال ۱۹۷۰ جمعیت اعراب مقیم کرانه غربی رود اردن ۶۹۰ هزار نفر و غزه ۳۴۰ هزار نفر بوده است و جمعیت آنها در سال ۲۰۰۹، در کرانه غربی رود اردن ۲/۴۸ میلیون و در نوار غزه ۱/۴۵ میلیون بوده است بنابراین در ظرف مدت ۴۰ سال جمعیت آنها نه آن که تارانده نشده‌اند بلکه در این مناطق ۴ برابر شده است.

http://en.wikipedia.org/wiki/Demographics_of_the_Palestinian_territories

ب- جمعیت اعراب مقیم کشور اسرائیل که در سال ۱۹۴۸، یکصد و شصت هزار نفر بوده است به جمعیتی معادل یک میلیون و ۶۵۰ هزار نفر بالغ شده است یعنی از استقلال کشور اسرائیل تا امروز جمعیت آنها حدوداً بیش از ده برابر شده است.

http://en.wikipedia.org/wiki/Arab_citizens_of_Israel

پ- قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد که توسط سازمان آزادی بخش فلسطین PLO و هم چنین توسط کشورهای عضو اتحادیه عرب در خارطوم رد شد، تصریح می کند که باید مسئله آوارگان به طور کلی حل شود این بدین معنا است که فقط آوارگان فلسطینی مورد نظر قطعنامه نیستند بلکه مسئله کلیه آوارگان منجمله آوارگان یهودی نیز باید حل شود

<http://www.mythsandfacts.org/conflict/10/resolution-242.pdf>

حقیقت: تعداد یهودیان (بخشی مقتول و مصدوم) رانده شده (همراه با مصادره اموال آنان) از ۹ کشور عربی، ۸۵۰ هزار نفر - جمعیت یهودی باقیمانده در سال ۲۰۰۰ در این ۹ کشور عربی کمتر از ۲۰۰۰ نفر.

http://en.wikipedia.org/wiki/Jewish_exodus_from_Arab_and_Muslim_countries

تعداد اعرابی که در سال ۱۹۴۸ با توجه به اعلان جنگ کشورهای عربی به اسرائیل و نه توسط اسرائیلیان، کشور نوبنیاد اسرائیل را ترک کردند، حداکثر ۷۵۰ هزار نفر و تعداد اعرابی که در کشور نوبنیاد اسرائیل باقی ماندند ۱۶۰ هزار نفر

http://en.wikipedia.org/wiki/Estimates_of_the_Palestinian_Refugee_flight_of_1948

مقایسه آمار و ارقام بالا به درستی روشن می کند چه کسی چه کسی را تاراند است؟

امیرشاهی: با اسکان دادن تدریجی و مداوم صدها خانواده متعصب یهودی در سرزمین های اشغالی به فکر زدودن فلسطین از نقشه جغرافیایی اند،

پاسخ: باید نخست دید چه کسی چی کسی را نفی بلد و اخراج کرده است؟

از سال ۱۹۴۸ که کرانه غربی رود اردن و بخش شرق اورشلیم در زیر تسلط اردن بوده کلیه یهودیان از آن جا اخراج شده اند و املاک، اموال و مراکز مذهبی و اجتماعی اشان را مصادره و گاه نابود کرده اند.

http://en.wikipedia.org/wiki/History_of_the_Jews_in_Jordan

این افراد لزوماً یهودیان متعصب نیستند بلکه یهودیانی هستند که به کشور آبا و اجدادی خود و املاک مصادره شده خود بازگشته اند و ادعای آقای محمود عباس در مورد آن که آنها حق ندارند آبادی های یهودی نشین را توسعه دهند به دلایل زیر مردود است:

الف- بخشی از خاک کرانه غربی رود اردن متعلق به یهودیان ساکن آن جا بوده است که یا در زمان اتحاد رهبران فلسطینی با هیتلر قتل عام شده اند و یا بعداً توسط کشور اردن اخراج گردیده اند و اینک برخی از آنها و یا بازماندگان آنان و یهودیان دیگر پس از ۱۹۶۷ به انجا بازگشته اند.

ب- ساکنان کرانه غربی رود اردن چه کسانی بوده و هستند؟

- پیش از حمله اعراب ساکنان این منطقه بومیان یهودی، یهودیان مسیحی شده، فلسطینی ها و افرادی که توسط امپراتوری روم به این سرزمین برای استعمارگسیل شده بودند.

- پس از حمله اعراب به ساکنان این منطقه عربهای عربستانی که توسط خلفای اعراب به این منطقه برای استعمار گسیل شده بودند افزوده شدند.

- در طول استیلای حکومت‌های مملوک و عثمانی مردمان دیگری در این منطقه ساکن شده و آنجا را از آن خود می‌پنداشتند.

- سرانجام در اوائل قرن بیستم با شکست امپراتوری عثمانی تعداد زیادی از قبایل عرب به قلب منطقه خاورمیانه و به سرزمین مورد مناقشه مهاجرت نمودند و از جمله از طریق خاندان مهاجر هاشمی خود را صاحب اردن و منطقه ساحل غربی یعنی سرزمین مورد مناقشه امروزی قلمداد نمودند.

بنابراین نتیجه می‌گیریم که اگر ساکنان کرانه غربی رود اردن حق خانه سازی و شهرک سازی دارند، یهودیان نیز باید تا زمان توافق و صلح نهایی بین اعراب و اسرائیل از چنین حقی برخوردار باشند.

پ- هم چنان که تاریخ بویژه تاریخ معاصر نشان داده است که اعراب ساکن مناطق مورد مناقشه رفتار درستی با یهودیان نداشته‌اند که در بالا به آن اشاره شد، یهودیان چه از نظر امنیت جانی و چه از نظر امنیت مالی و هم چنین امنیت قانونی نمی‌توانند زیر سلطه اعراب قرار بگیرند بنابراین دولتهای اسرائیلی برای آن که بتوانند از یک طرف منصفانه با فلسطینی‌ها پیمان صلح ببندند و از سوی دیگر امنیت این یهودیان را حفظ کنند حاضر شدند در ازای داشتن ۷ درصد از اراضی فلسطینی که این شهرک‌ها در آن قرار دارند ۷ درصد از خاک کشور اسرائیل را به فلسطینی‌ها واگذار کنند.

طرح صلح در زمان ایهود باراک

http://en.wikipedia.org/wiki/2000_Camp_David_Summit

طرح صلح در زمان ایهود اولمرت

http://www.nytimes.com/2011/28/01/world/middleeast/28mideast.html?pagewanted=all&_r=0

امیرشاهی: چنان نظارت نظامی و خشنی بر ته مانده خاک و مردم آنجا دارند که بزرگترین زندان جهان را به وجود آورده‌اند،

پاسخ: محاصره کنونی غزه تنها پس از استقرار سازمان تروریستی حماس بر غزه توسط مصر و اسرائیل صورت گرفته است و پیش از آن کشور اسرائیل سراسر نوار غزه را از نیروهای نظامی تخلیه نموده و تمامی شهرک‌ها و موسسات مدرن کشاورزی خود را به ساکنان غزه تحویل داده بود. لازم بیادآوری است که این فقط طالبان نبوده‌اند که مجسمه بودا را تخریب نمودند و فقط داعش نیست که مساجد و مراکز مقدس شیعیان را نابود می‌کند بلکه پس از خروج نیروهای نظامی اسرائیل از نوار غزه، اعرابی که مورد حمایت خانم امیرشاهی هستند کنیسه‌های بی دفاع و خانه‌ها و گلخانه‌های کشاورزی مدرن و مجهز تحویل شده به خود را تخریب و به آتش کشیدند.

https://www.google.com/search?q=gaza+synagogues+destroyed&sa=X&esqv=2&biw=1551&bih=1071&tbm=isch&tbo=u&source=univ&ei=P_YHVMKLMNDioAS

D6YDgCg&ved=0CEUQsAQ

الف- مصرکه بزرگترین و پرجمعیت‌ترین کشور عربی است با توجه به رخنه تروریستها از غزه به خاک خود گذرگاه رفح را بسته است یعنی در محاصره غزه شرکت فعال دارد.

http://en.wikipedia.org/wiki/Blockade_of_the_Gaza_Strip

ب- محاصره دریایی غزه به منظور جلوگیری از انتقال اسلحه مورد تایید سازمان ملل متحد نیز هست. حتی دولت خودگردان فلسطینی نیز در موارد مختلف از محاصره تسلیحاتی غزه برای جلوگیری از ادامه تسلط سازمان تروریستی حماس بر فلسطینیان پشتیبانی به عمل آورده است

http://en.wikipedia.org/wiki/Legal_assessments_of_the_Gaza_flotilla_raid

پ- از تنها جایی که کامیون‌های آذوقه - دارو و کمک‌های بشردوستانه حتی در زمان جنگ روانه نوار غزه می‌شود از مرز اسرائیل و غزه است. باید توجه داشت که مصالح ساختمانی که از آن برای حفر تونل‌های مرگ توسط حماس و جهاد اسلامی استفاده شده است از مرز اسرائیل و غزه با اجازه اسرائیل برای استفاده در کارهای عمرانی روانه غزه شده است.

http://en.wikipedia.org/wiki/Blockade_of_the_Gaza_Strip

لازم به تاکید است که اسرائیل که در سال ۲۰۰۵ به صورت یک جانبه از غزه خارج شد، تا سال ۲۰۰۷ غزه را محاصره نکرده بود. از زمانی که سازمان تروریستی حماس قدرت را در غزه در دست گرفت و اساس تر سیاسی و منشور خود را بر از بین بردن نه فقط یهودیان اسرائیل بلکه کلیه یهودیان جهان قرارداد و هر روز نیز به داخل خاک کشور اسرائیل موشک پرانی کرد بالاچار اسرائیل نیز غزه را مورد محاصره دریایی و زمینی قرار داد تا حماس نتواند به جنگ افزار دست یافته تا با آن به نقشه‌های پلید خود جامه عمل بپوشاند.

امیرشاهی: در محوطه‌ای از این زندان عظیم، غزه - که از «گتو»های یهودیان لهستانی در آستانه جنگ جهانی دوم وسیع‌تر نیست - حدود دو میلیون فلسطینی را در میان سیم خار دار محکوم به روزمرگی کرده‌اند و گاه به گاه به بهانه‌های واهی و ساختگی و دروغ بر سر آنان، که نه مفری دارند و نه جان پناهی، آتش و بمب و خمپاره می‌ریزند.

پاسخ: بر ما معلوم نیست که این مقایسه‌های غیر واقعی از سوی خانم امیرشاهی به جز قصد به میان آوردن واژه «گتو» به چه منظوری مطرح می‌شود. برای غیر واقعی بودن این مقایسه به آگاهی‌های زیر توجه کنید

الف - گتوی ورشو ۱/۳ مایل مربع وسعت داشته است. غزه ۱۳۹ مایل مربع وسعت دارد یعنی غزه ۱۰۰ برابر گتوی ورشو وسعت دارد.

http://en.wikipedia.org/wiki/Warsaw_Ghetto

ب- حداقل ۳۰۰ هزار نفر یهودی منتقل شده به درون گتوی ورشو از زمان استیلای نازی‌ها بر آن تا پایان جنگ جهانی دوم توسط آلمان هیتلری در نتیجه انتقال به اردوگاه‌های مرگ، اعدام‌های دسته جمعی و بیماری‌های شایع بدلیل تراکم جمعیت و گرسنگی ایجاد شده توسط نازیها به قتل رسیدند. در آخرین حمله نازی‌ها به گتوی ورشو اندازه گتو به دستور هیملر به ابعاد ۱۰۰۰ یارد در ۳۰۰ یارد تقلیل پیدا کرده بود (هر اسکوئر مایل برابر است با ۳۰۹۷۶۰۰ یارد مربع) یعنی اندازه گتو به یک دهم مایل مربع رسیده بود و جمع تعداد افراد داخل آن که در زمان قیام ۵۶ هزار نفر برآورد شده

توسط ارتش آلمان هیتلری به قتل رسیدند. معنای این مقایسه عددی غزه با گتوی ورشو این است که غزه اندازه‌ای به وسعت هزار برابرگتوی ورشو در زمان قیام بوده است

<http://www.historyplace.com/worldwar2/holocaust/h-warsaw.htm>

بنابراین هرکوششی در جهت مقایسه‌های عددی نامربوط بین گتوی ورشو که صحنه یکی از جنایتکارانه‌ترین و رذیلانه‌ترین اعمال در طول تاریخ حضور انسان بر کره زمین است با هر واقعه دیگری به خصوص موضوع محاصره غزه که در بند پیشین به طور مفصل توضیح داده شد به جز یهود ستیزی چیز دیگری نمی‌توان بر آن نام گذاشت.

امیرشاهی: بهانه این آخرین کشتار اسرائیل از مردم غزه ربوده و کشته شدن سه یهودی بود به دست فلسطینی‌ها که بلافاصله و بدون کمترین تحقیق و، چنانکه امروز به نظر می‌رسد، ناروا و نادرست برگردن «حماس» گذاشته شد و نخست وزیر دولت اشغالگر با رگ گردن بیرون زده، ربایندگان را «حیوان» نامید. جوانی فلسطینی، آشکارا بیگانه با ماجرای سه یهودی مقتول، توسط چند اسرائیلی ربوده و به انتقامجویی آن سه در کوره آدم سوزی یک نفره، زنده زنده سوزانده شد.

پاسخ: جنگ اخیر در غزه بدلیل پرتاب بیش از ۱۰۰ راکت به داخل خاک اسرائیل و نقض آتش بس از سوی فلسطینی‌ها و اعلان جنگ از سوی فلسطینی‌ها به اسرائیل بوده است و اسرائیلی‌ها به بهانه ربوده شدن و کشته شدن ۳ نوجوان اسرائیلی جنگ علیه غزه را آغاز نکرده است.

سازمان تروریستی حماس خود اکنون اعتراف کرده است که عوامل حماس ۳ نوجوان اسرائیلی را ربوده و سپس آنها را به قتل رسانده‌اند. خانم امیرشاهی تاکنون و از زمان اعلان این خبر که خود حماس مسئولیت ربودن و قتل ۳ نوجوان یهودی اسرائیلی را به عهده گرفته، مقاله خود را تصحیح نکرده‌اند که نشان می‌دهد ایشان علاقه‌ای به انتشار حقیقت ندارند و هدفشان تنها، تحریک و هیاهو است.

لازم بیادآوری است نه فقط اکثر یهودیان بلکه تمامی دولتمردان اسرائیلی منجمله نخست وزیر و رئیس جمهور اسرائیل عمل یهودیان افراطی را در ربودن و کشتن جوان بیگناه فلسطینی مورد نکوهش قرار دادند و از آن ابراز انزجار کردند. همان نخست وزیر که رگ گردنش به قول خانم امیرشاهی بیرون زده شده بود به پدر فلسطینی مقتول تلفن کرد و به او تسلیت گفت. اسرائیلی‌ها تمامی کسانی که در قتل نوجوان فلسطینی دست داشتند را دستگیر و تحویل دادگاه دادند و در برابر مادران و مقامات حماس پس از یافتن اجساد ۳ نوجوان یهودی اسرائیلی مجالس جشن برپا کردند و در خیابانها و اماکن عمومی به پخش شیرینی مشغول شدند

http://en.wikipedia.org/wiki/2014_Israel%E293%80%Gaza_conflict

امیرشاهی: نخست وزیر اسرائیل لابد آن را به حساب «انسانگرایی» جوانان اسرائیل گذاشت زیرا به نشانه تشویق آنان جنگی را آغاز کرد که تا امروز حدود ۲۰۰۰ فلسطینی را به خاک و خون غلطانده است که سوای معدودی از اعضاء حماس، جملگی کودک و زن و غیر نظامی‌اند....

و تاکنون، برای اخطار دادن به اسرائیل و احقاق حق فلسطینی‌ها، صدایی از هیچ دولت و دستگاه و سازمانی بین‌المللی

بر نیامده است - جز حق هق گریه آن ناظر عینی سازمان ملل که بسیار دردناک و گویا بود ولی از سوی صاحبان نفوذ دنباله ای پیدا نکرد.

می گوید یک بام و دو هوا؟ بله، ولی چه جای تعجب - مگر بار اول است یا تنها مورد؟ مگر نه اینکه «کامی کاز» ژاپنی که جان می داد تا لطمه ای به دشمن وارد کند به شجاعت شهره شد و «جانباز» فلسطینی که جان می دهد تا در حد امکانات ناچیزش پذیرا نشدن اسارت مردمش را نشان دهد، به تروریست!

پاسخ: خانم امیرشاهی ادعا کرده است که تعداد معدودی از اعضای حماس به سزای اعمالشان رسیده اند. طبق بیشتر برآوردها تلفات تروریست ها مساوی با تلفات تعداد غیر نظامی بوده است که اولاً نصف کل تلفات به معنای تعداد معدودی نیست دوم آن که غیر نظامیان کشته شده بدلیل سپر قرار گرفتن بوسیله حماس به این سرنوشت دچار شده اند.

کامی کاز ژاپنی برای جنگ میهنی، خود را به کشتی جنگی دشمن می کوبید نه به کشتی مسافربری. تروریستهای فلسطینی با داشتن وعده بهشت و درکنار حوریان بودن، اتوبوس افراد غیر نظامی حامل زنان و کودکان بی گناه را منفجر می کنند. هرکوشی برای مقایسه این دو کوشی است در جهت بی اعتبار کردن عمل کامی کاز ژاپنی و بها دادن به عملیات ضد انسانی تروریست های فلسطینی.

جمهوری اسلامی با وعده بهشت، جوانان ایرانی را به صورت توده انبوه در میدان های جنگ و میدان های مین قربانی می نمود. تروریستهای عراقی چه شیعه مذهب چه اهل تسنن روزانه دهها نفر از غیر نظامیان بی گناه طرف دیگر را آگاهانه و عامدانه مورد هدف قرار می دهند و به قتل می رسانند. چگونه است که خانم امیرشاهی بدون توجه به ماهیت و انگیزه های حماس و گروه های نامبرده در بالا چشم خود را بر واقعیت های غزه می بندند و بر استراتژی جنایتکارانه حماس مبنی بر قربانی کردن افراد غیر نظامی مهر تایید می کوبند.

امیرشاهی: مگر نه اینکه جهودهای «گتو» نشینی که در مقابل تحقیر و تهدید لهستانی های ستمگر دست به مقاومت زدند قهرمان نام گرفتند و فلسطینی هایی که در مقابل دولت زورگوی اسرائیلی مقاومت می کنند جنایتکار!

پاسخ: هیچ کس حق ندارد قومی یا ملتی را به صورت عمومی تحقیر کند برای مثال دهه هاست که در امریکا کسی حق ندارد سیاهان را با عنوان نیگر (Niger) خطاب کند و هم چنین است که ما نباید اعراب را با الفاظ زشت خطاب کنیم یعنی آنان را عرب سوسمارخور بنامیم و یا آن که اعراب ما ایرانیان را عجم خطاب نمایند. به همان ترتیب نیز شما بهتر است اصطلاح زشت، تحقیرآمیز و نژادپرستانه «جهود» را در مورد یهودیان به کار نبرید و خود را در ردیف نازی های هیتلری و ملایان مرتجع قرار ندهید. یهودیان (ونه جهودان) لهستانی کوچکترین عملی بر علیه آلمانی ها تا پیش از کشتار خود توسط آنان، انجام نداده بودند و در مرام ساکنان گتو هیچ گاه قتل همه آلمانی ها سراسر جهان جایی نداشت. یهودیان گتوی ورشو بی گناهی بودند که توسط رژیم هیتلری سلاخی شدند در حالی که اسرائیل فقط در برابر حملات ناجوانمردانه و ضد انسانی و کودک کش و بدون هدف گیری مشخص حماس واکنش نشان داده است

امیرشاهی: مگر نه اینکه اسرائیل با کشتارهای بی‌امان زن و کودک فلسطینی بدون رودربایستی و بی‌محابا کمر به سر به نیست کردن فلسطین بسته است

پاسخ: مرگ تاسف بار زنان و کودکان فلسطینی در جنگ اخیر غزه تنها به یک دلیل بوده و آن هم حضور نظامی حماس در مناطق غیرنظامی و استفاده از اماکن عمومی مانند مدرسه و بیمارستان و مسجد برای استقرار پایگاه‌های موشکی و پرتاب آن‌ها به داخل خاک اسرائیل بوده است.

مقایسه تطبیقی تاریخی: این بزدلانه‌ترین و رذیلانه‌ترین روش جنگ است که توسط خمینی و هوادارانش اختراع و به نیروهای تروریستی مانند حماس آموزش داده شد. شهید سازی و شهید پروری و استفاده از جسد فرد کشته شده برای رسیدن به مقصود و کشتن زن و کودکان بی‌گناه در اماکن عمومی برای نمونه در سینماهای سراسر ایران و نمونه منحصر بفرد جنایتکارانه و وحشتناک آن یعنی فاجعه آتش زدن سینما رکس ابادان و نسبت دادن آن به رژیم شاه از ان جمله است.

امیرشاهی: اما تردید در باره درستی هر عمل امروز و دیروز مردم اسرائیل بلافاصله تهدید به نابودی اسرائیل تلقی می‌شود! مگر نه اینکه به همه مذاهب می‌شود بد و رد گفت جز به مذهب رسمی اسرائیل، همه دولت‌ها را می‌توان به باد تمسخر گرفت جز دولت اسرائیل، می‌توان منکر همه چیز شد - از خدا و رسول گرفته تا حمله اسکندر مقدونی به ایران - جز ادعاهای «هولوکاست» ی و «شوا»یی و دیگر قضایای مربوط به اسرائیل!

پاسخ: این استدلال، همان استدلال احمدی نژاد و هواداران اوست. تنها دلیلی که چند کشور اروپایی کسانی را که منکر هولوکاست هستند زیر پیگرد قانونی قرار می‌دهند تکرار نشدن این نوع فجایع است. در آلمان در سال ۱۹۹۴ الفاظ یهودیان، آشویتس و هولوکاست را از متن این قانون برداشته‌اند تا هرکس که صلح عمومی را با نفرت پراکنی و انکار واقعیت‌های مربوط به هر نسل کشی به خطر می‌اندازد زیر پیگرد قانونی قرار گیرد.

<http://www.thephora.net/forum/showthread.php?t=78135>

به علاوه برخلاف ادعای خانم امیرشاهی و تبلیغات جمهوری اسلامی نه تنها انکار هولوکاست بلکه وجود احزاب نئونازی و یا هواداری از هیتلر، جمهوری اسلامی و حماس در اکثریت کشورهای غربی کاملاً آزاد و رایج است.

امیرشاهی: مگر نه اینکه دولت‌های غربی همه جنایات اسرائیل را به عنوان «حق حفظ امنیت» می‌پذیرند و هیچ کس نیست که بگوید کدام قانونی در دنیا وجود دارد که تأمین امنیت جایی را به قیمت اشغال خاک دیگری و، وحشتناکتر از آن، کشتار مردم آن خاک مجاز بشمرد....

پاسخ: با توجه به این که گروه‌های تروریستی حماس، جهاد اسلامی و حزب الله و سایر گروه‌های تروریستی عربی طبق منشور خود در حال جنگ با اسرائیل هستند این حق مشروع اسرائیل است که بتواند از امنیت شهروندان خود دفاع کند.

باید توجه داشت که خانم امیرشاهی و کسانی به مانند ایشان عملاً نشان داده‌اند نه فقط موجودیت کشوری به نام اسرائیل را قبول ندارند بلکه حق دفاع از خود توسط یهودیان را نیز به رسمیت نمی‌شناسند.

مقایسه تطبیقی: امروز ایالات متحده برای حفظ جان اتباع خود مواضع گروه تروریستی داعش را در عراق بمباران می‌کند چرا که داعش امنیت شهروندان آمریکایی را به خطر انداخته است. جالب توجه است که همه کشورها و همه اعلامیه نویسان حرفه‌ای در مقابل عمل آمریکا برای سرکوب تروریست‌های داعش سکوت کرده‌اند.

امیرشاهی: حفظ امنیت در مقابل چه؟ در مقابل حملات موشکی حماس که در مقایسه با ابزار جنگی اسرائیل حکم پاچه خیزک و فشفه را هم ندارد و ظرف این سال‌ها با اینکه به زعم اسرائیلی‌ها هزاران هزارش پرتاب و شلیک شده است، رقم قربانیانش به شماره انگشتان دو دست هم نمی‌رسد؟!

پاسخ: هیچ کشوری تاب تحمل حتی یکی از حمله‌های تروریستی که اسرائیل با آن مواجه بوده است را نداشته و ندارد که خانم امیرشاهی آن را فشفه می‌خواند. هریک از راکت‌ها و خمپاره‌های پرتابی که تروریست‌های حماس به اسرائیل شلیک می‌کنند اگر به منازل مسکونی و یا ساختمان‌های تجاری برخورد نماید می‌تواند سبب مرگ افراد بسیاری بشود و اگر این تعداد فرضی آدم‌های کشته شده را در تعداد راکت‌ها و خمپاره‌های مرگباری که تاکنون به مناطق مسکونی و تجاری اسرائیل شلیک شده‌اند بنماییم (یعنی بیش از ۲۰ هزار مورد تاکنون) تعداد کشته‌های اسرائیلی از دهها هزار نفر تجاوز خواهد کرد البته این گروه‌های تروریستی هیچ ابایی از این که مسئولیت این گونه حملات جنایتکارانه را به عهده بگیرند ندارند و به این نوع حمله‌ها افتخار هم می‌کنند. بعلاوه آیا بیرحمانه نیست اگر اسرائیلیان نیز بمب‌های خود را در مقابل «فشفه‌های» خانم امیرشاهی «ترقه» بنامند؟ اسرائیلی‌ها برای نجات جان شهروندانشان و مصون ماندن آنها حاضر به همه نوع فداکاری و پرداخت هزینه هستند. این هزینه‌های سنگین دفاعی که بر اسرائیل تحمیل شده و می‌شود سبب کاهش بودجه‌های آموزشی، بهداشتی و... که خسارت‌های جبران ناپذیر بر پیکر جامعه کوچک و مظلوم ملت اسرائیل گذاشته است، بوده است.

مقایسه تاریخی تطبیقی: آن قدر مطبوعات و رسانه‌های غربی در بزرگ نمودن ابعاد قدرت ارتش شاهنشاهی ایران نوشتند و از مظلومیت نهضت ناپاک خمینی سخن گفتند که ارتش و پلیس ایران جرات واکنش در برابر افراد تروریست خمینی که سینماها را آتش می‌زدند و افراد بی‌گناه زنده زنده سوزانده شدند را نداشتند تا این که ایران و ایرانی را در طی مدت این ۳۵ سال به قهقرای ذلت نشانندند..

امیرشاهی: به رغم ممیزی شرم آور خبرگزاری‌ها امروز می‌دانیم که مردم غزه آب آشامیدنی ندارند، بامی بر سر ندارند، فرصتی برای به خاک سپردن جسد مردگان‌شان ندارند، امکان زنده نگه داشتن جنینی که از شکم مادر کشته شده‌اش بیرون کشیده شده است ندارند. اگر یکی از این بلاها بر سر اسرائیل آمده بود – همین آخری را در نظر بگیرید – غرب لباس عزا می‌پوشید و کمک و پول و خلعتی بود که برای آن دولت می‌رفت و لعن و نفرینی که نثار

دنیا و مافیها می‌شد. مصیبت‌هایی بسیار بیش از چند رقم بالا ظرف این چند هفته بر سر فلسطین آمده است - یکی از دیگری هولناک‌تر، یکی از دیگری رذیلانه‌تر اما همان غرب نه فقط سکوت کرده است بلکه بازکمک و پول و خلعت است که برای اسرائیل ارسال می‌شود! اگر دول اروپایی و امریکایی به جای رساندن سلاح و کمک‌های اطلاعاتی برای سهل کردن کار هدفگیری بیمارستان‌ها و مدارس و غیره، موضعی انسانی و قابل قبول می‌گرفتند، اگر رسانه‌های گروهی امریکایی و اروپایی در عوض پخش سخنان تکراری و سراسرکذب و تهوع آور مدافعان خونریزی‌های اسرائیل به وظیفه خبر رسانی عمل می‌کردند و چنین سرسامی به وجود نمی‌آوردند، آدم‌های تنهایی چون من نیازی به برآوردن فریاد نمی‌دیدند.

پاسخ: متأسفانه اثرات جنگ بسیار ناراحت کننده است ولی لازم است به فاکت های زیر توجه داشت:

الف - هیچ کشوری جز اسرائیل و در هیچ جنگی تاکنون مشاهده نشده است که یکی از طرفین جنگ هم چنان آب و آذوقه آن هم به صورت روزمره برای طرف مقابل روانه کند.

ب- ارتش دفاعی اسرائیل از قبل با تلفن و تکست و اعلامیه کتبی به غیرنظامیان هشدار می‌دهد که محل احتمالی برخورد را ترک کنند.

پ- این طرف فلسطینی بوده و هست که یا آتش بس‌های متعدد پیشنهادی مصر را نمی‌پذیرفت و یا به صورت مکرر آتش بس‌ها را نقض می‌کرد و سبب توقف در یاری رسانی به افراد غیرنظامی فلسطینی‌ها می‌شد.

ت- ناگفته نماند که نیروهای حماس با چوب و چماق غیرنظامیانی را که می‌خواستند محل جنگ قریب الوقوع را ترک گویند به شدت مصدوم و مجروح می‌کرد و از فرار آنها از مهلکه جلوگیری می‌نمود، مبادا تعداد تلفات غیرنظامیان کم شود و خواسته حماس در مظلوم نمایی برآورده نشود.

<https://www.youtube.com/watch?v=TMwux0kpOwc>

ث- نیروهای حماس در طول جنگ اخیر دهها نفر از مخالفان (که برخی از آنان را جاسوس اسرائیل عنوان کرده‌اند) خود را در ملا عام اعدام نموده و پای بسیاری از هواداران محمود عباس را به رگبارگلوله بسته تا از تحرک آنان در سطح شهر جلوگیری به عمل آید معلوم نیست که خانم امیرشاهی مسئولیت این تلفات را بر عهده چه کسی گذاشته‌اند؟ هم چنین خانم امیرشاهی این باور غلط را پراکنده‌اند که اهالی غزه توان خروج از منازل خود را نداشتند پس مردم چگونه می‌توانستند برای تماشای مراسم اعدام به خیابانها و مساجد بیایند.

ث- آمریکایی‌ها فقط برای امنیت جان اسرائیلیان غیر نظامی بودجه برای پروژه ضد موشکی گنبد آهنین را افزایش دادند و در مقابل به مردم غزه نیزکمک مالی بشردوستانه نمودند.

امیرشاهی: اگر رسانه‌های گروهی امریکایی و اروپایی در عوض پخش سخنان تکراری و سراسرکذب و تهوع آور مدافعان خونریزی‌های اسرائیل به وظیفه خبر رسانی عمل می‌کردند و چنین سرسامی به وجود نمی‌آوردند، آدم‌های تنهایی چون من نیازی به برآوردن فریاد نمی‌دیدند.

پاسخ: اکثریت رسانه‌های گروهی امریکایی و اروپایی با نادیده گرفتن واقعیات و با پشتیبانی‌های بی‌دلیل از تروریستهای

فلسطینی افکار عمومی جهان را بر علیه اسرائیل و دولت اسرائیل برانگیختند.

مقایسه تاریخی تطبیقی: اکثریت قریب به اتفاق رسانه‌های اروپایی و امریکایی با پشتیبانی از خمینی و هواداران بنیادگرای او و ارتقا خمینی ضدبشر به عنوان یک قدیس سبب شدند که افکار عمومی جهان را علیه رژیم سابق بویژه دولت اصلاح طلب شاپور بختیار برانگیزانند، که در نهایت سبب سقوط این دولت و برآمدن جمهوری اسلامی و فجایع ۳۵ سال گذشته شده است.

<http://shopping.ketab.com/addprod.asp?id=91413&cat=1&pgs=1&pic=A>

امیرشاهی: امروز من و میلیون‌ها چون من اعتقاد راسخ داریم که بلندکردن صدای اعتراض و ابراز نفرت نسبت به کشتار خونین مردم غزه وظیفه تمام کسانی ست که بویی از انسانیت برده‌اند و بر این عقیده‌ایم که اعتراض و نفرت را می‌توانیم با بایکوت کردن اجناس اسرائیلی مثمر ثمرکنیم. به علاوه معتقدیم کسانی که حرفشان بردی دارد و سکوت کرده‌اند و دولی که قدرتی دارند و بر دادخواهی مردم فلسطین گوش بسته‌اند در انظار جهانیان و در قضاوت تاریخ شریک جنایات اسرائیل قلمداد می‌شوند. از جمله وسائل و ابزار تکراری دولت اسرائیل است که هرگونه مخالفتی با رفتار و اعمالش را به دشمنی با «مذهب»ش تعبیرکنند که مداوماً آن را با «قوم» یگانه جلوه می‌دهد و صحبت جهاد و جنگ صلیبی به میان می‌آورد. ولی روشن است که مخالفت من و امثال من ادنی ارتباطی با مسلک و مذهب ندارد – بی‌شمارند یهودیانی که چون من و امثال من فکر می‌کنند، چون من و امثال من اسرائیل را مقصر می‌دانند، چون من و امثال من خواهان عدالتند و بس.

پاسخ: امروز ما یهودیان و مردم آزادیخواه جهان اعتقاد راسخ داریم که بلندکردن صدای اعتراض و ابراز نفرت نسبت به آن چه که علیه کشور مظلوم اسرائیل و ملت مظلوم یهود و هم چنین ملت مظلوم فلسطین که در چنگال مشتی تروریست اسیر هستند وظیفه تمامی کسانی است که بویی از انسانیت برده‌اند و بر این عقیده‌ایم که اعتراض جلوی نفرت پراکنی گروه‌های تروریستی فلسطینی را می‌توان گرفت و به علاوه معتقدیم کسانی که حرفشان بردی دارد و سکوت کرده‌اند و دولتهایی که قدرتی دارند و بر دادخواهی اسرائیلیان و یهودیان گوش بسته‌اند در انظار جهانیان و قضاوت تاریخ شریک جنایات این تروریست‌ها خواهند بود.

مقایسه تطبیقی: عدم پشتیبانی اکثریت رسانه‌های اروپایی و امریکایی از فردای انقلاب سال ۱۳۵۷ و به قدرت رسیدن جمهوری ضد بشری اسلامی از مردم مظلوم ایران سبب قربانی شدن هزاران هزار ایرانی شده است و بدون تردید این رسانه‌ها و افرادی که حرفشان برد داشت ولی سکوت کردند در جنایت‌های جمهوری اسلامی شریک و سهیم هستند.

اگر کسی خواهان عدالت است ابتدا و در طی تمامی این سالها می‌بایست از حماس می‌خواست که منشور ضد بشری خود دال برکشتن همه یهودیان را به کناری بگذارد.

هم چنان که خانم مهشید امیرشاهی در اعلامیه ۵۰ نفر فتوای قتل سلمان رشدی توسط خمینی را محکوم کردند در

این جا نیز اگر به سرنوشت انسان و انسانیت به طور کلی و نه فقط به سرنوشت فلسطینی ها علاقمند بودند می بایست اعلامیه ای در نفی منشور حماس می دادند و از طرق مختلف تلاش می کردند که حماس از این هدف دست بردارد. دلیل دیگر عدم آگاهی خانم امیرشاهی از تاریخ یهود این جا به درستی نمایش داده شده است که ایشان یهودیت را فقط به عنوان یک مذهب می شناسند در حالی که یهودیان بسیاری در جهان وجود دارند که دارای گرایشات گوناگون مذهبی و مسلکی هستند معذالک حالت قومی خود را در طول هزاران سال حفظ کرده اند. پرسش اساسی از خانم امیرشاهی در این جا این است که چرا خانم امیرشاهی جهاد و جنگ صلیبی را به اسرائیل نسبت داده اند در حالی که جهاد در منشور حماس بمانند قانون اساسی جمهوری اسلامی از هدف های اصلی آنان به شمار آمده است.

امیرشاهی: اسرائیل هرگز سر صلح نداشته است و در خونی که از بی گناهان ریخته تخمی افشانده است که بیخ و بن راه حل «دوکشور»ی را هم خشکانده است.

پاسخ: تاریخ چیز دیگری می گوید: اسرائیل با هرکس که می خواهد صلح کند صلح کرده است با عبدالناصر که سودای صلح نداشت و می خواست یهودیان را به دریا بریزد نمی توانست صلح کند ولی با مرحوم انور سادات که صلح طلب بود صلح کرد و تمامی صحرای سینا را به مصر بازپس داد و هم چنین صلح پایدار است با کشور اردن هاشمی

امیرشاهی: تغییری اساسی، حیاتی است تا اوضاع بدین منوال نماند. آنچه مسلم است این است که چه اسرائیل بخواهد چه نخواهد عمر رژیم آپارتایدی که دست پخت اوست به سر آمده است و پایانش نیز به گمان من مشابه انجام آپارتاید افریقای جنوبی می بایست باشد

پاسخ: اسرائیل بر اساس نهضت ناسیونالیستی صیونیزم پایه گذاری شده است و بر همین اساس تا کنون به حیات خود ادامه داده است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۵ با نفوذ اعراب و مسلمانان طی تصویب قطعنامه ای صیونیزم را یک نهضت نژادپرست نامید ولی در سال ۱۹۹۱ با وقوف بر واقعیات با صدور قطعنامه دیگری قطعنامه پیشین را ملغی کرد.

http://en.wikipedia.org/wiki/United_Nations_General_Assembly_Resolution_3379
http://en.wikipedia.org/wiki/United_Nations_General_Assembly_Resolution_4686/

مقایسه تطبیقی: اکثر کشورهایی که هر بار علیه ملت ایران و به نفع جمهوری اسلامی در مجمع عمومی سازمان ملل موضع گرفته اند همان کشورهایی بوده و هستند که صیونیزم را یک نهضت نژادپرستانه اعلام کرده اند.

امیرشاهی: یعنی نه در تقسیم آن خاک به دو کشور سیاه و سفید یا عرب و جهود، بلکه با به وجود آوردن حقوق مساوی برای همه شهروندان و همه ساکنان آن خاک – با شعار مردم آپارتاید افریقایی که رهبران فرهیخته ای چون

دوکلرک و ماندلا داشتند - یعنی یک مرد، یک زن، یک رای - تا آینده‌ای برای آن سرزمین میسر باشد و فلسطینی نیز چون یهودی امکان زندگی پیدا کند.

پاسخ: تجربه تاریخی و عملکرد حال حاضر ملت‌های اسلامی نشان دهنده آن است که این ملت‌ها هرگز برابری خود با غیرمسلمانان را نپذیرفته و همواره درصدد اخراج، برقراری قوانین تحقیرآمیز موسوم به اهل ذمه و یا حتی کشتار غیر مسلمانان بوده‌اند و رهبران فرهیخته و سکولاری قابل مقایسه با دوکلرک، ماندلا را از میان خود رانده‌اند و در حال ریشه کن کردن آثار و اندیشه‌های این نوع رهبران از میان خود هستند

یهودیان اسرائیلی حاضر نیستند سرنوشت خود را با سرنوشت افرادی گره بزنند که مانند خانم امیرشاهی آنان را حتی در پندنامه تخیلی خود «جهود» خطاب می‌کنند و به آنان توهین می‌کنند.

نه اعراب اسرائیلی و نه یهودیان اسرائیلی خواهان زندگی تحت حکومتی مانند حکومت تروریست‌های اسلام‌گرای حماس و سازمان‌های مشابه، که مایل به دموکراسی و حکومت مردم بر مردم نیستند، نخواهند بود.

<http://www.ynetnews.com/articles/0,7340,L-4473953,00.html>

و شما خانم امیرشاهی بهتر است نخست در جهت اصلاح خود و سپس در جهت آمال و آرزوهای اکثریت ایرانیانی باشید که در مجموعه تظاهرات سال ۲۰۰۹ به بعد با شعار «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» مسیر راه را در جهت گیری ما نسبت به رویدادهای منطقه‌ی خاورمیانه روشن نموده‌اند. بنابراین بهتر است به اصلاح میهن از دست رفته خودمان پردازید و دیگر برای سایر مردم جهان نسخه تخیلی صادر نفرمایید.

«مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان»

گفتمان ایرانیان یهودی

بیژن خلیلی، منوچهرکهن، فریار نیکبخت، جورج هارونیان، فعالان سیاسی ایرانیان یهودی